محدودهی امکان و امتناع اعادهٔ معدوم

شاگرد۲: به این معنا که اگر هر شیء را با تمام خصوصیاتش ببینیم، یکتا میشود. مثلاً اگر DNA انسان و اسم و ... را با هم ببینیم، یکتا میشود و دومی ندارد. شاید بتوان کلمهی دیگری جایگزین کنیم که برای خداوند اختصاصیتر باشد.

استاد: بله؛ این هم مطلب مهمی است. کسانی هم که گفتهاند «لاتکرار فی التجلی»، همین مقصود را داشتند. یعنی هر چیزی به طوری یکتا است که دیگر دو ندارد. مقصود شما همین است. ببینید بحثهایی داشتیم که حتی شخص وجود طبیعت دارد. اگر روی آن مبانی تأمل کنید، این مخدوش میشود. آن یکتایی که میگویید، نظر به وجودش دارید و میگویید یکتا است و لذا در امتناع اعادهی معدوم، میگویید دیگر نمیتوانید آن را برگردانید. اما اگر این مبنا برفرض سر برسد که هر وجودی که به آن نگاه میکنید و میگویید یکتا است، اگر بگویید یک طبیعت هم دارد؛ طبیعتی در موطن علم اللّه تعالی و عین ثابت جزئی آن؛ اگر این را بگویید، یکتایی به این معنا دیگر نیست. یعنی ریخت طبیعت طوری است که یک نحو سعه دارد. مثلاً اگر فرض بگیریم در تمام خصوصیاتی که شما ذکر کردید یکتا است، در تمام این خصوصیات به وادی عدم مطلق برود؛ مطلقاً معدوم شود، در اینجا میتوان آن را برگرداند یا نه؟ اگر یکتا باشد دیگر نمیتوان آن را برگرداند. اما اگر در موطن عین ثابتهٔ برای آن طبیعتی فرض گرفتیم، چرا. مانعی ندارد. لذا در اعادهی معدوم عرض کردم ادلهای که حکما میآورند، بُردی دارد. در بُرد خودش درست است و بدیهی هم هست؛ اما آنها از آن بُردی که دلیلشان دارد، اطلاقگیری میکنند؛ ما این اطلاقش را قبول نداریم. از کجا وارد این بحث شدیم؟ به نظرم پاورقی علامهی طباطبایی بر بحار الانوار ذیل عبارتی از نهج البلاغه بود، ایشان فرموده بودند: چون ظاهر این عبارت خلاف برهان است، باید تاویل کنیم. آنجا بود که دیگر مباحثهی ما طول کشید؛ گفتم: خیر؛ آیا خلاف برهان هست تا محتاج تاویل باشیم یا خلاف نیست. آنجا عرض کردم: برهانی که شما میگویید، یک بُردی دارد، شما بُرد آن را مطلق کردهاید و میگویید این عبارت خلاف برهان شده است. اگر آن بُرد برهان را تعیین کنیم، می بینیم منافاتی ندارد که این عبارت را تاویل نبریم.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 فوریه 2024 17:21:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2024 13:26:33 توسط ... .